

The Role of Self-Monitoring in the Agency of the Governmental Functionaries of the Islamic Republic of Iran

Ramazan Soltanpour¹, Ali Shirkhani², Mohammad Torabi³

¹ Ph.D. Student, Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

² Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**).
shirkhani@qom-iau.ac.ir

³ Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. mtorabi1418@gmail.com

Abstract

Supervision over the performance of functionaries in all domains, particularly in the political arena which deals with power and the macro-management of the country, is a significant component in preserving and elevating the health of the political system. It is with the health of this system that one can be hopeful for the health of other governance systems of the country. Conventional supervisions are organizational supervisions that, through external mechanisms, supervise the behavior and performance of individuals. Due to the type of governance in the Islamic Republic, which possesses an entirely religious and faith-based (*īmānī*) nature, methods based on external supervision have not demonstrated the requisite efficacy. The objective of this research is to present an effective and efficient solution to compensate for the aforementioned deficiency, particularly in the context of supervising political functionaries. In order to secure the aforementioned objective, the solution of "self-monitoring" has been envisaged and explicated utilizing an analytical-descriptive method. The principal problem of this research is the examination of the role of self-monitoring in the agency of political functionaries. Self-monitoring, as an ethical component, possesses both a deterrent role and a therapeutic role. The realities of society indicate that the major portion of the existing detriments in the domain of supervision originates from the negligence of the constructive exigencies of Islamic ethical (*akhlāq*) teachings; the solution to overcome this negligence is the implementation of ethical propositions in all stages of the training, recruitment, and activity of functionaries. Hitherto, such a method has not been utilized as a supervisory program. The mechanism of self-monitoring, which is based on faith-based (*īmānī*) self-motivational propositions and is a significant component of Islamic ethics, can, provided the realization of environmental and organizational conditions, render functionaries resilient and immune against this detriment; its consequence will be the elevation of the efficacy of the functionaries and the augmentation of the level of satisfaction of both sides, the people and the functionary. With this approach, the current supervisory systems must also be redefined in proportion to the self-monitoring role of the functionaries. In conclusion, if the two aforementioned supervisory wings are appropriately utilized with an overlapping approach, they can fulfill a highly effective role in securing a healthy and vibrant political and social system in the country.

Keywords: Islamic ethics, self-edification, self-monitoring, vigilance (*murāqabah*), governmental functionaries.

Received: 2024-05-08 ; Received in revised form: 2025-04-19 ; Accepted: 2025-05-05 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2026.2006505.2101>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نقش خودنظارتی در کنشگری کارگزاران حکومتی جمهوری اسلامی ایران

رمضان سلطان‌پور^۱، علی شیرخانی^۲، محمد ترابی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. soltanpoor52@chmail.ir

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). shirkhani@qom-iau.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mtorabi1418@gmail.com

چکیده

نظارت بر عملکرد کارگزاران در همه حوزه‌ها خصوصاً در عرصه سیاسی که با قدرت و مدیریت کلان کشور سروکار دارد، مؤلفه مهمی در حفظ و ارتقاء سلامت سامان سیاسی است. با سلامت این سامان است که می‌توان به سلامت دیگر سامان‌های حکمرانی کشور امیدوار بود. نظارت‌های رایج، نظارت‌های سازمانی است که با سازوکارهای بیرونی، بر رفتار و عملکرد افراد نظارت می‌کنند. به جهت نوع حکمرانی در جمهوری اسلامی که ماهیتی کاملاً دینی و ایمانی دارد، روش‌های مبتنی بر نظارت بیرونی، کارآمدی لازم را نشان نداده‌اند. هدف این پژوهش، ارائه راهکاری مؤثر و کارآمد جهت جبران نقیصه مذکور، خصوصاً در زمینه نظارت بر کارگزاران سیاسی است. جهت تأمین هدف مذکور، راهکار «خودنظارتی» پیش‌بینی شده و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی تشریح شده است. مسئله اصلی این پژوهش بررسی نقش خودنظارتی در کنشگری کارگزاران سیاسی است. خودنظارتی به عنوان یک مؤلفه اخلاقی، هم نقش بازدارندگی و هم نقش درمان دارد. واقعیت‌های جامعه نشان می‌دهد که بخش عمده آسیب‌های موجود در حوزه نظارت، به غفلت از الزامات سازنده آموزه‌های اخلاق اسلامی برمی‌گردد؛ راهکار غلبه بر این غفلت، بکارگیری گزاره‌های اخلاقی، در تمام مراحل تربیت، جذب و فعالیت کارگزاران می‌باشد. تاکنون از چنین روشی به عنوان برنامه نظارتی استفاده نشده است. سازوکار خودنظارتی که مبتنی بر گزاره‌های خودانگیزی ایمانی و مؤلفه مهمی از اخلاق اسلامی است، می‌تواند به شرط تحقق شرایط محیطی و سازمانی، کارگزاران را در برابر این آسیب، مقاوم و ایمن سازد؛ نتیجه آن، ارتقاء کارآمدی کارگزاران و افزایش سطح رضایتمندی هر دو سمت مردم و کارگزار خواهد شد. با این رویکرد، نظام‌های نظارتی فعلی نیز، باید متناسب با نقش خودنظارتی کارگزاران بازتعریف شوند. در مجموع، چنانچه دو بال نظارتی پیش‌گفته با رویکرد همپوشان به نحو درستی استفاده شوند، می‌توانند نقش بسیار مؤثری در تأمین سامان سیاسی و اجتماعی سالم و بانشاط در کشور ایفا نمایند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق اسلامی، خودسازی، خودنظارتی، مراقبه، کارگزاران حکومتی.

استناد به این مقاله: سلطان‌پور، رمضان؛ شیرخانی، علی؛ ترابی، محمد (۱۴۰۴). نقش خودنظارتی در کنشگری کارگزاران حکومتی جمهوری اسلامی

ایران. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۳): ص ۱۱۱-۱۲۸. <https://doi.org/10.22034/sm.2026.2006505.2101>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلفی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی در حوزه حکمرانی و سیاست‌ورزی است که اگر به آنها توجه نشود و عملکرد کارگزاران براساس آنها تنظیم نگردد، کارویژه‌های اصلی این نظام دینی که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، به مرور زمان کارآیی خود را از دست داده و از اهداف خود دور خواهد شد؛ یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، التزام اعتقادی و عملی کارگزاران حکومتی به گزاره‌های اخلاق اسلامی است که اگر بدرستی بر کنشگری ایشان حاکم شود، در راستای ارتقاء عملکرد، تأثیر فراوانی خواهد داشت و پیوندهای مردم و حاکمیت را نیز به شکل مستمری افزایش خواهد داد. انقلاب اسلامی ایران که بیش از چهار دهه پرچالش را پشت سر گذاشته است، تنش‌های جدیدی در درون خود تجربه می‌کند که علاوه بر منشأ بیرونی، منشأ درونی هم دارد. در بررسی ماهیت این تنش‌ها، علاوه بر نقش‌پذیری متقابل این چالش‌ها از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با معضلاتی در حوزه نظام رفتاری و رابطه بین مردم و کارگزاران نظام مواجه هستیم که ریشه در اخلاق و سلامت نفس کنشگران حکومتی (کارگزاران) داشته و می‌بایست با توجه به ماهیت اسلامی این نظام سیاسی، مورد بازخوانی و چاره‌جویی قرار گیرد. نظارت مؤثر بر کنشگری کارگزاران یکی از مهم‌ترین راهکارهای آسیب‌زدایی در این زمینه محسوب می‌شود؛ از منظر اخلاق اسلامی، علاوه بر نظارت‌های بیرونی، توجه به خودنظارتی نیز که ماهیت درونی دارد، بسیار تعیین‌کننده است؛ خودنظارتی چنان عامل مهم، مؤثر و قدرتمندی است که اگر بدرستی استفاده شود، حتی بر فرض نبود هیچ ناظر سازمانی نیز می‌تواند به عنوان نیرویی قدرتمند، از کنشگری کارگزاران آسیب‌زدایی کند؛ اگر به چنین نتیجه‌ای توجه شود، تحولی اساسی در این زمینه ایجاد خواهد کرد. با این وجود، این نوع نظارت، هنوز جایگاه خود را نزد تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی پیدا نکرده و هنوز متوجه نشده‌اند که: «ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸). هدف پژوهش حاضر تبیین نقش «خودنظارتی» در کنشگری کارگزاران جمهوری اسلامی ایران همراه با چیستی و چگونگی آن است.

۲. تعریف مفاهیم کلیدی

۲-۱. اخلاق

«اخلاق در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای «سرشت و سجیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد، مانند جوان‌مردی و دلیری، یا

زشت و ناپسند باشد، مثل فرومایگی و بزدلی» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۱۹). همچنین اخلاق «جمع خُلُق» و در لغت به معنای خوی‌ها است (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۱۵۲۵). «اخلاق ملکه نفسانی است که افعال به آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۶۲: ص ۱۲۳).

۲-۲. خودسازی و تزکیه نفس

تزکیه نفس، تربیت نفس، مبارزه با نفس و خودسازی تعابیر مشابهی هستند که در مجموع معنای واحدی از آنها بدست می‌آید. «تزکیه در اصل از ماده «زکو» و به معنای تطهیر نفس و مال، صلاح، تقوا، زمین پاک، مدح و ستایش و تنزیه خویش می‌باشد» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ص ۳۵۸). «تزکیه در اصطلاح اخلاق و عرفان عبارت است از تطهیر و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی به منظور گام برداشتن در جهت فضائل اخلاقی، که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت می‌شود» (جوادی زایویه، ۱۳۹۲). «انسان چون به اصلاح نفس خویش بپردازد و خویشتن را به ورطه نیستی و فنا اندازد، به اخلاق الهی متخلّق می‌گردد و در زمین، خلیفه الرحمن می‌شود» (سعادت پرور، ۱۳۸۶: ص ۳۰۱).

۲-۳. خودنظارتی^۱

«خودنظارتی یک ویژگی شخصیتی و رفتاری است که شامل توانایی نظارت و تنظیم نمودن احساسات و رفتارها در پاسخ به محیط‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است».^۲ این تعریف با رویکرد روانشناسی است. اما خودنظارتی با نگاه اخلاقی، انگیزه و نیروی درونی است که فرد یا مجموعه‌ای را قادر می‌سازد تا قوا و کنشگری خویش را تحت کنترل و نظارت خود درآورد. هدف از خودنظارتی اخلاقی، تربیت نفس و ساخته شدن در راستای انجام وظایف عبودیت الهی است؛ در حالی‌که در روانشناسی، به دنبال کسب موفقیت در تعامل با محیط و دیگران است. به عبارت دیگر، خودنظارتی همان تقوا است.

۲-۴. مراقبه

مراقبه از واژه «رَقَبَ» به معنای حفظ کردن (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ص ۴۲۵) و در نظر گرفتن مراقب و توجه دادن فکر به سوی اوست (خداوند متعال)؛ و هر کس از کاری به سبب رعایت دیگری دوری جوید، گفته می‌شود: فلانی را مراقبت کرد (فیض کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۹۳). در متون اخلاق اسلامی، پیشینه مراقبه

1. Self-monitoring

2. <https://virgool.io/@MjZahedpour/about-self-monitoring-pkwxlwubxxdb>

به «مربطه» بازمی‌گردد که عبارت است از نگاهبانی و مواظبت عقل از نفس (نراقی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۵) و «مراقبه آن است که بنده به هنگام عمل، حق تعالی را در نظر بگیرد و خود را در محضر خداوند ببیند و کشیک نفس خود کشد که مبادا از فرمان و خواسته مولا سرباز زند و راه دیگر پیش گیرد و عصیان ورزد و به لهو و لعب بپردازد» (میرمشرودی، ۱۳۹۲: ص ۱۴۸).

۲-۵. کارگزاران حکومتی

«واژه کارگزار را می‌توان مترادف کارمند دولت دانست که از سوی مسئولان حکومت یا نمایندگان آنان برگزیده می‌شود و استانداران، فرمانداران، گردآوران زکات و مالیات و دیگر افرادی را که حاکم تعیین می‌کند، دربرمی‌گیرد» (ذاکری، ۱۳۸۱: ص ۱۴). گستره کارگزاران حکومتی، هم سطح کلان حاکمیتی (مقامات عالی رتبه) را و هم سطوح میانی و خط اول خدمت را شامل می‌شود. در واقع، هر فردی که در سلسله مراتب حکومتی مسئولیتی را برعهده بگیرد، جزو کارگزاران حکومتی قابل تعریف است.

۳. تفاوت اخلاق عملی و نظری

رویکرد پژوهش حاضر ناظر به اخلاق عملی است و راهکار «خودنظارتی» با این رویکرد، امکان کاربردی می‌یابد؛ فهم عمومی از اخلاق، بیشتر ناظر به اخلاق نظری است؛ به همین دلیل، توجه به تفاوت‌های اخلاق نظری و عملی ضرورت دارد. در اخلاق نظری «از تلقین و روش‌های روانشناسی استفاده می‌شود؛ تا صفات خوبی را ملکه نموده و صفات رذیله‌ای را از فرد دور کند. این نوع اخلاق، يك اخلاق خشك و بی‌روح می‌شود. با این رویکرد هرچه عبادت بیشتر می‌شود، عجب هم بیشتر می‌گردد. هرچه پاکیزگی و عمل به دستورات الهی بیشتر می‌شود، خودبرتربینی و توقعات از دیگران (من آدم مقدسی هستم و ارزش مرا نمی‌دانند!) و تحقیر دیگران بیشتر می‌شود (علیپور، ۱۳۹۹: ص ۱۹). اما اخلاق عملی «براساس فطرت و شناخت حقیقت نفس، شروع شده و روش تربیتی است که نفس در اثر تربیت، رشد کرده و صفات از آن بروز می‌کند؛ نه اینکه از بیرون تحمیل شود. با این رویکرد کاربردی، آفات به حداقل می‌رسد» (علیپور، ۱۳۹۹: ص ۱۹). چنین اخلاقی، با ماهیت توحیدی و تربیت‌محور، در برابر آسیب‌های رفتاری انسان، بازدارندگی ایجاد می‌کند. راهکار خودنظارتی معطوف به چنین رویکردی است. علامه طباطبایی در «المیزان»، سه طریق یا مکتب اخلاقی را نام می‌برد: طریق اول ماهیت دنیایی دارد و برای کسب موفقیت در تعامل با دیگران استفاده می‌شود. طریق دوم، صرفاً برای آخرت است. طریق سوم، اخلاق توحیدی بوده و وجه غالب آن، رویکرد تربیتی است: «انسان‌ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر، طوری تربیت کرده که دیگر محل و

موضوعی برای رذایل اخلاقی باقی نگذاشته ... یعنی اجازه نداده که رذایل در دل‌ها راه یابد، تا درصدد برطرف کردن آن برآیند...» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۳۹).

۴. خودنظارتی به مثابه یک اراده و خواست درونی (ماهیت خودنظارتی)

جهت فهم درست مؤلفه خودنظارتی، توجه به چند پیش فرض ضرورت دارد:

۱-۴. دو نوع بینش و نگاه به زندگی و حیات انسان‌ها وجود دارد، یک بینش، مرگ را پایان زندگی می‌داند و حیات انسان را در همین زندگی مادی دنیایی خلاصه می‌کند؛ اما بینش دوم، مرگ را نه پایان زندگی، بلکه آغازی بر حیات اصلی انسان معنی می‌کند. «و اما مرگ پایان نیست ... آغاز دیدن‌ها است» (صفائی حائری، ۱۴۰۰: ص ۲۴). اساساً این عالم، محل کنش و واکنش و فعل و انفعال است و اینگونه نیست که اعمال انسان‌ها تمام شده و نیست می‌شوند، بلکه به سیستم و ساختمان دیگری تبدیل شده و متناسب اقتضانات آن سیستم استمرار می‌یابند.

۲-۴. انسان ذاتاً به دنبال لذت و منافع بیشتر و مصونیت از خطر و ضرر و زیان است و انتخاب‌های خویش را براساس سود و زیانی که دارد، تعیین می‌کند و در کنش و واکنش‌های خود همواره به دنبال سود بیشتر و دفع ضرر است. لذا، بدیهی است که اعمال زودگذر و مقطعی را نسبت به اعمالی که دارای آثار دائمی و طولانی‌تری است، ترجیح می‌دهد.

۳-۴. رشد انسان باعث بوجود آمدن قوه‌ای به نام شرم و حیاء شده و او را وادار به خودکنترلی می‌کند. به عنوان مثال، کودک ۶-۷ ساله که به علت عدم رشد فکری، از اینکه با لباس آلوده در وسط سفره و بدون ملاحظه مهمان‌ها، مشغول بازی و به هم ریختن محتوای سفره می‌شود، هیچ حیاء و ابایی ندارد؛ در حالی که قوه حیاء و شرم همین کودک پس از طی مراتب تربیتی و رشد فکری، آنچنان قوت می‌گیرد که حتی مراقب است که ذره‌ای لگه در صورت و لباس خود نباشد، چراکه آن را موجب کسر شأن خود می‌داند. بنابراین، با توجه به این خاصیت ذاتی و فطری انسان، ازجمله وظایف نظام اسلامی که به دنبال تحقق اهداف اسلامی است، رساندن انسان به مرتبه‌ای از کمال رشد است که خود را در محضر خدا ببیند و از شدت حیاء از پروردگار عالم مواظبت کند که مبدا کوچک‌ترین تخلفی از او سر بزند. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»، «آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟!» (نساء: ۱). «بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست. عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت خدا نکنید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ص ۴۶۱).

با این پیش فرض‌ها، وقتی انسان به طور طبیعی و درونی متوجه می‌شود که حیات دیگری هست که حاصل و ساخته افکار و اعمال این دنیایی او است، با آن طبیعت و ذات محاسبه‌گرانه‌ای که دارد، سعی می‌کند اعمال خود را به گونه‌ای انجام دهد که سود اصلی را که همان حیات ماندگار و دائمی است، از دست ندهد. این یعنی خودمراقبتی و خودنظارتی که با اراده و خواست درونی انجام می‌شود.

مثال: در یک کلاس، دانش‌آموزی که همه چیز را در همین درس خواندن و بازی‌گوشی می‌داند و این فهم و بینش را ندارد که آینده‌اش براساس عملکرد امروزش ساخته می‌شود، هیچ تلاشی برای استفاده از فرصت‌ها و مراقبت از درس خواندن نمی‌کند؛ برای چنین دانش‌آموزی، مراقبت و مواظبت از درس خواندن بی‌معنی است و بلکه، آن را اتلاف وقت دانسته و برای او سرگرم شدن به بازی‌هایی که لذت آنی دارد، اهمیت بیشتری دارد. برعکس، دانش‌آموز دیگری در همان کلاس، از این بینش برخوردار است که نتیجه مطالعه و درس خواندن امروزش، سازنده آینده‌ای است که در آن، فلان اکتشافات و فلان کارهای بزرگ را می‌تواند انجام دهد، دیگر مثل آن دانش‌آموز اولی وقت خود را به بازی‌گوشی و وقت‌گذرانی سپری نمی‌کند و می‌داند که هر اندازه اینجا باسوادتر و عالم‌تر شود، آن آینده را با موفقیت خواهد ساخت و اگر فرصت را از دست دهد، آینده مهم را نیز از دست خواهد داد. لذا، به طور طبیعی به خودنظارتی و خودکنترلی برای استفاده از فرصت‌های محدود می‌پردازد و از لحظه‌لحظه فرصت‌ها برای مطالعه و دانش‌افزایی استفاده می‌کند.

۵. تقوای عمومی (خودنظارتی جمعی)

در محیط‌های جمعی مانند کارگزاران حکومتی، علاوه بر خودنظارتی فردی، خودنظارتی جمعی نیز امری مهم و ضروری است. در ادبیات اخلاقی، از مراقبه و خودنظارتی جمعی، به تقوای عمومی هم تعبیر می‌شود: «یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸). اهمیت این نوع خودنظارتی کمتر از خودنظارتی فردی نیست، بلکه «بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند» (همان). «این هنر قرآن است که در منطقه وحشی و بی‌فرهنگی وارد شود و آن را متمدن‌ترین جامعه تاریخ کند که اگر قدرش را می‌دانستند، اکنون هیچ حکومتی مثل اسلام پیشرفت علمی نداشت» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۳/۴).

۶. اهمیت خودنظارتی

«بَا أَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَنْ تُنظِرَ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، «ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، از (مخالفت) خدا بپرهیزید و هرکس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (حشر، ۱۸). فراموشی و غفلت، آدمی را از هدف اصلی خلقت دور می‌کند. انسان موجودی است که در کنار داشتن توانمندی‌های بالقوه، آسیب‌پذیر است و به کنترل و محافظت از خود نیاز دارد؛ کارل گوستاو یونگ^۱ (روانشناس و فیلسوف) که بسیاری از نظریات فروید را به چالش کشید و نظرات قابل تأملی از جمله «صورت مثالی روح»، «کیمیای روح» و «ناخودآگاه جمعی» و... ارائه داد، در خصوص انسان و خطرات ناشی از بیماری‌های روان او اشاره مهمی دارد: «با وضوحی همواره روشن‌تر معلوم می‌شود که نه قحطی، نه زمین‌لرزه، نه میکروب‌ها و نه سرطان، هیچ‌کدام، بلکه فقط و فقط این انسان است که برای انسان، بزرگ‌ترین خطر است. دلیل ساده دارد: هنوز هیچ واکسن مؤثری برای پیشگیری از بیماری‌های روانی وجود ندارد، در حالی که این نوع بیماری‌ها، بی‌نهایت ویرانگرتر و مخرب‌تر از سخت‌ترین حوادث طبیعت هستند! بزرگ‌ترین خطری که فرد یا ملتی را به طور کامل تهدید می‌کند، خطر روانی است که تجربه نشان داده برای آن از عقل کاری بر نمی‌آید» (گوستاو یونگ، ۱۳۸۰: ص ۳۹۹). انسان محروم از تربیت اخلاقی، همواره در معرض انواع لغزش‌های شکننده درونی و بیرونی است: «اینها که مملکت را به تباهی کشیدند، برای این بود که ساختمان خودشان فاسد بود؛ خودشان یک اخلاق فاسد داشتند... اگر چنانچه خودشان را ساخته بودند، به مملکت خیانت نمی‌کردند، به اسلام خیانت نمی‌کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ص ۳۰۱). خودمراقبتی که از طریق خودسازی امکان‌پذیر است، کارگزاران حکومتی را در برابر مشکلات و وظایف سنگین کارگزار بودن، مقاوم و مجهز به سلاح ایمان و اراده می‌کند که نتیجه بدیهی آن مقاوم بودن در برابر لغزش‌ها و وسوسه‌های قدرت است. اهمیت خودنظارتی جمعی برای نهادهای حاکمیتی به جهت گستره تأثیرگذاری آنها، بیش از نفع فردی است. منافع ناشی از این نوع خودنظارتی و مضار عدم آن، به تعداد افراد جامعه ضریب خوده و کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنانچه کارگزاران در امر خودنظارتی موفق عمل کنند، گستره عمومی جامعه نیز متأثر از آن، به اخلاقیات و خودنظارتی گرایش پیدا خواهد کرد.

۷. چگونگی خودنظارتی

در فهم روانشناختی، خودنظارتی را یک ویژگی شخصیتی می‌دانند که شامل آگاهی و توانایی نظارت و تنظیم خودنمایی‌ها، احساسات و رفتارها در پاسخ به دیگران، محیط و موقعیت اجتماعی است. «خود-

1. Carl Gustav Jung

تنظیمی به عنوان توانایی افراد در تنظیم و هدایت احساسات، عواطف، افکار و رفتار خود و یادگیری مفهومی است که در روانشناسی تربیتی و آموزش توجه زیادی را به خود جلب کرده است.» (فتحی و شیرازی‌زاده، ۱۳۹۸). «در الگوی شرطی‌سازی کنشگر (اسکینر) این روش (به‌طور تقریبی) تحت عنوان فرآیند «خودگردانی» در سه مرحله بیان می‌گردد:

- ۱) مشاهده خود: با دقت به ثبت و ضبط رفتارهای خود به صورت جزئی و کمی می‌پردازد.
 - ۲) خودسنجی: رفتارهای فعلی با الگوی ایده‌آل از نظر کمیّت و کیفیت مقایسه و ارزیابی می‌شود.
 - ۳) خودتقویتی: به رفتارهایی که هدف را نزدیک‌تر می‌کند و با آن سنخیت دارد، پاداش داده شده و رفتارهای مقابل با تقویت منفی و احیاناً تنبیه کنترل می‌شوند.
- در این رویکرد، تلاش می‌شود رفتار و عملکرد افراد به گونه‌ای مدیریت شود که در ارتباط با خود و دیگران، موفقیت بیشتری را کسب نماید که اگر بر مبنای غیرتوحیدی باشد، صرفاً به موفقیت مادی محدود می‌شود؛ اما خودنظارتی اخلاقی، اهداف جامع‌تری را دنبال می‌کند؛ انسان در این نگاه، مواظب است تا تمام کنشگری‌های فردی و اجتماعی خویش را نه تنها در ارتباط با دیگران و موقعیت پیرامون، بلکه در خلوت خویش و نزد پروردگار، براساس یک فرآیند تعالی‌بخش به سمت تحقق اهداف عالی زندگی تحت کنترل درآورد.

۸. راهکار تحقق خودنظارتی

مؤلفه خودنظارتی مستلزم داشتن راهکاری است تا کارگزار حکومتی بتواند مطابق آن عمل کرده و اهداف خودنظارتی را تحقق ببخشد. راهکار اصلی در این زمینه، تنظیم کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌های شبانه‌روزی با رویکرد خودنظارتی و رعایت آن در زمان مقرر است؛ بر این اساس، فرد خودناظر، اول صبح با خود شرط نموده و تصمیم می‌گیرد که هر آنچه در طول روز انجام می‌دهد، مطابق برنامه تنظیمی در راستای وظیفه عبودیت الهی باشد و مراقب است همه امور را آنگونه که باید باشد، انجام دهد، فضایل اخلاقی را تقویت و زشتی‌های اخلاقی را از خود دور کند، از لهو و لعب پرهیزد و در انجام وظایف کوتاهی نکند. پایان روز و قبل از خواب، به حسابرسی از فعالیت‌های طول روز می‌پردازد تا ضمن شناسایی کاستی‌ها و کوتاهی‌های احتمالی روزانه و جبران آن، شب را با آسودگی خاطر بخوابد؛ استغفار و جبران تقصیر یا کوتاهی‌ها، حاصل برنامه محاسبه خواهد بود. این راهکار کنترل شبانه‌روزی کنشگری‌ها، هر روز تکرار شده و همه ایام را تحت پوشش خودنظارتی قرار می‌دهد.

راهکار مذکور را می‌توان به صورت فرآیندی عملیاتی کرد:

تعمیق در شناخت نفس: قبل از هر چیز باید شناخت و اعتقاد به ضرورت خودنظارتی حاصل شود، این شناخت صرفاً فهم علمی نیست، یک دریافت، اذعان و ایمان عمیق است.

برنامه‌ریزی جهت انجام وظایف خودنظارتی

عزم و اراده و تصمیم جدی به خودنظارتی: اراده و تصمیم آگاهانه جهت رعایت کامل الزامات خودنظارتی بسیار مهم و راهگشا در ادامه مسیر است.

مشارطه: ایجاد تعهد و شرط‌گذاری با خود به صورت مستمر، مبنی بر مراقبت و مواظبت از اعمال و افکار در مدت معین.

مراقبه: مراقبت از همه اعمال و افکار در چارچوب مشخص اخلاقی در طول زمان مراقبه. مراقبه به معنی تقواست، «تقوا، یعنی مراقبت کامل از گفتار و کردار و حتی خاطرات و خطرات ذهنی. تقوا یعنی اینکه دائم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم اشتباه کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۱۹۴).

محاسبه و حساب‌کشی از خود: در محاسبه، حداقل دو جهت مورد توجه است، اول، محاسبه انجام کامل وظایف و اعمال، «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (کفعمی، ۱۳۸۷: ص ۱۳)؛ دوم، نیت و قصد الهی، که چون روح به کالبد اعمال، هویت و معنا می‌بخشد. کارکرد محاسبه در تقویت مراقبه نیز بسیار تعیین‌کننده است و چنانچه محاسبه به درستی انجام شود، در انجام مراقبه و نتیجه‌بخش شدن امر خودنظارتی بسیار مؤثر خواهد بود.

معاقبه و مجازات خود: به معنی تقبیح و سرزنش خود نسبت به کوتاهی‌ها، کاستی‌ها و تصمیم به جبران آن.

بدیهی است که انجام این فرآیند هفت‌گانه باید در همه اوقات و ایام استمرار یابد، تا به صورت ملکه درآمده و همه اعمال و افکار انسان خودمراقب را تحت کنترل مستمر قرار دهد.

۹. نیاز به راهنما

انسان ذاتاً به خیر و نفرت از شرّ تمایل دارد، در انجام اموری که سبب خیر و ترک شرّ و خطر می‌کند، یک حساسیت و دقت طبیعی دارد، این حساسیت و توجه، به معنای مراقبه است؛ یعنی، مراقبه و خودنظارتی یک امر طبیعی بوده که در زندگی هر انسانی حاکم است؛ لکن، چون به مصادیق خیر و شرّ آگاهی کامل ندارد، مانند هر امر دقیقی نیاز به راهنمایی و تعلیم توسط اهل خبره در این زمینه دارد. «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

لَا تَعْلَمُونَ؛ از آگاهان پرسید اگر نمی دانید!» (نحل، ۴۳). به همین دلیل هم استفاده برنامه‌ریزی شده از مشاورین اخلاقی در سازمان‌های حاکمیتی جهت آسیب‌زدایی از کنش‌های سیاسی ضرورت می‌یابد.

۱۰. خودنظارتی ذیل نظارت خداوند

نظارت انسان بر خود در طول یا ذیل نظارت خداوند بر او قرار دارد. باور عمیق به این مطلب که هیچ فعل و انفعالی در این عالم خارج از اراده الهی نیست؛ اساس و مبنای جدیت انسان در امر خودنظارتی اخلاقی است: «بنده مؤمن، اگر مراقب اعمال و کردارش باشد، خداوند نیز- در برابر مراقبه و محاسبه نفس- او را از هرگونه ابتلای معنوی و اخروی و دنیوی عصمت عنایت فرموده، و به تمام نعمت‌های معنوی و ظاهری می‌آراید. این مطلب به گزاف نخواهد بود؛ زیرا عنایت الهی به بنده، در مقابل عمل صالح بنده‌اش می‌باشد» (سعادت‌پرور، ۱۳۸۶: ص ۳۱۷).

۱۱. خودنظارتی کارگزاران و تأثیر آن در گسترش ارزش‌های اخلاقی در جامعه

هدف اصلی پژوهش حاضر، نشان دادن نقش خودنظارتی در حوزه کنشگری کارگزاران حکومتی است، اما این نقش و آثار مربوطه، محدود به آنان نمانده و مستقیماً به کل جامعه منتقل می‌شود و عرصه عمومی را نیز تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی قرار می‌دهد: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. اخلاق که نبود، وقتی بی‌اخلاقی حاکم شد، حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر وارد شد، وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد، زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹). با تأمل در عرصه عمومی و حوزه رفتار سیاسی جامعه امروز، وجود آسیب‌ها و خلأهای اخلاقی به وضوح قابل مشاهده است. لذا، آن «قدرت تنفس سالم» دچار مشکل، «زندگی سخت» و «فضا تنگ» شده، آن «هوای لطیف» حیات‌بخش در معرض آلاینده‌های تخریبی قرار گرفته و نیاز به سم‌زدایی دارد، تا «زندگی سالم» امکان‌پذیر شود. خودنظارتی و التزام فکری و عملی کارگزاران نظام اسلامی به گزاره‌های اخلاقی، نقش مستقیم و حیاتی در گسترش آن در سطح جامعه و مردمان آن دارد.

۱۲. وظایف دستگاه‌های حاکمیتی در خصوص خودنظارتی کارگزاران

معطوف به مباحث قبلی، می‌توان حداقل سه سطح تکلیف و وظیفه را برای نهادهای حاکمیتی در

خصوص خودنظارتی کارگزاران در نظر گرفت:

توجه به الزامات خودنظارتی هنگام جذب و تربیت کارگزاران: هیچ نظامی نمی‌پذیرد که نیروهای فعال در آن نظام، همسویی با تشکیلات و اقتضانات مورد نظر را نداشته باشد. کارگزار حکومتی در نظام اسلامی علاوه بر شایستگی‌های فنی و کاری مربوطه، باید از شایستگی‌های اخلاقی و نظارت بر خویش نیز برخوردار باشد. علاوه بر ضرورت احراز چنین شایستگی در هنگام جذب کارگزار، باید پس از جذب نیز طوری آموزش ببیند که چنین ویژگی‌هایی را تثبیت و تقویت کنند. آموزش و تربیت نیروی انسانی در همه سیستم‌های سازمانی یک ضرورت بدیهی است، در نظام اسلامی، منابع و روش‌های تربیتی به لحاظ فطری بودن دین و آموزه‌های آن، سهل‌الوصول است و هر جا مشکلاتی بوده، به علت عدم توجه به قواعد تربیت و اعمال سلیقه‌ها بوده است. استفاده از ساختار و نیروی تخصصی در این زمینه می‌تواند مانع چنین مشکلی شود.

تسهیل و تشویق خودنظارتی فردی کارگزاران: نهادهای حاکمیتی با فراهم‌سازی شرایط محیطی و ارائه برنامه آموزشی و تربیتی، پیش‌بینی مشاوره خودنظارتی، اصلاح ناهنجاری‌های اخلاقی محیط کار و تقویت برنامه‌های ذکری و فکری و... می‌توانند زمینه خودنظارتی فردی کارگزاران را تسهیل نمایند؛ همچنین با ارائه مشوق‌هایی چون گنجاندن خودنظارتی در شرایط رتبه‌بندی و مصادیق شایسته‌گزینی و... کمک مؤثری در این زمینه ارائه نمایند.

اعمال خودنظارتی جمعی یا تقوای اجتماعی: پیش‌بینی و عملیاتی نمودن راهکارهای درون نظارت سازمانی مانند خودنظارتی جمعی (ضوابط، ساختارها و برنامه‌های مرتبط) و ارزیابی مداوم عملکرد آنها، که رهبری انقلاب نیز به آن توجه دارند: «بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸). مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس، از آنها می‌خواهد که از طریق سازوکار خودمراقبتی جمعی، عملکرد نمایندگان را تحت نظارت قرار دهند: «من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه خود را بپاید. یک نماینده کج رفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند» (همان).

۱۳. نقش خودنظارتی در اصلاح و ارتقاء کنشگری کارگزاران و افزایش رضایتمندی عمومی

مؤلفه خودنظارتی، همه عرصه‌های زندگی انسان خودناظر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چراکه این نظارت محدود به عرصه خاصی نیست و با نظارت بر همه ابعاد کنشگری و حسابرسی مستمر آن، انحرافات احتمالی

برطرف و جبران می‌شود. در ادامه به مواردی از نقش و تأثیرگذاری خودنظارتی اشاره می‌شود:

بازدارندگی: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»، «خود را محاسبه کنید، قبل از آنکه محاسبه شوید؛ و خود را بسنجید، قبل از آنکه سنجیده شوید» (کفعمی، ۱۳۸۷: ص ۱۳).

جبران کاستی‌ها: مراقبه و محاسبه معطوف به آن، علاوه بر نقش بازدارندگی، مستلزم جبران کوتاهی و کاستی‌ها است. لازمه محاسبه اثرگذار، جبران کوتاهی‌ها و خطاهای احتمالی است که متوجه اهل مراقبه یا همان کارگزار خودمراقب است و بدون این جبران، خودنظارتی ناقص است.

اصلاح رفتار: در نگاه اخلاق اسلامی، اهل مراقبه به دنبال کسب کمالات و رفع رذایل بوده و بدین سبب همواره به دنبال اصلاح رفتار و اعمال خویش است. لذا، کارگزار خودمراقب همواره می‌کوشد با اصلاح نواقص کنشگری خویش، بهترین عملکرد را داشته باشد.

اصلاح فضای محیط: خودنظارتی، اعم از فردی و جمعی، محیط کاری کارگزاران را به محلی جهت خدمتگزاری صادقانه و خالصانه به مردم تبدیل می‌کند که نتیجه آن، افزایش اعتماد و رضایت عمومی است.

افزایش رضایتمندی: افزایش رضایتمندی دوسویه خدمت‌دهنده (کارگزار) و خدمت‌گیرنده (مردم) از نتایج حتمی خودنظارتی به مفهوم اخلاقی آن است. خودنظارتی موجب بهبودی شاخص‌ها در اخلاق، رفتار و عملکرد می‌شود که اول از همه، خود کارگزار، آرامش خاطر می‌یابد. افزایش کیفیت در دو حوزه خدمت و رفتار کارگزار، مستقیماً بر رضایت عمومی و مردمی نیز اثرگذار است.

۱۴. نیاز به ساختار

پیاده شدن اخلاق خودنظارتی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و بهره‌مندی جامعه اسلامی از آثار آن، مستلزم اهتمام جدی نهادهای حاکمیتی از یک طرف و خواص جامعه از سوی دیگر است؛ مردم متأثر از حاکمان و افراد شاخص هستند، جهت گسترش ارزش‌های اخلاقی، باید از کارگزاران و خواص جامعه شروع کرد. یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه، تقویت خودنظارتی نزد کارگزاران است؛ بدیهی است که هیچ کنش موفقیتی در عرصه عمومی، بدون داشتن متولی مشخص قابل تصور نیست؛ پیش‌زمینه لازم جهت تحقق اهداف خودنظارتی نیز مستلزم فراهم شدن الزامات قانونی و استقرار ساختار پیگیری‌کننده آن در بالاترین سطوح حاکمیتی و سلسله مراتب مربوطه است. اضافه شدن بخشی تحت عنوان «دفتر خودنظارتی» به سازمان‌ها می‌تواند چنین هدفی را دنبال کند؛ واضح است که متصدیان چنین ساختاری می‌بایست متخصص کار باشند.

۱۵. یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین یافته تحقیق حاضر این است که به دلایل مختلف، نظارت بیرونی در جامعه دینی ما، از جمله در حوزه نظارتی بر کارگزاران جمهوری اسلامی جواب نداده و نیاز به ظرفیت و سازوکار نظارتی دیگری است؛ تجربه چند دهه اخیر نیز این واقعیت را ثابت کرده است. یافته مهم دیگر تحقیق، پاسخی است که به نیاز و خلأ نظارتی مذکور می‌توان داد؛ این پاسخ، سازوکاری است که در قالب خودنظارتی تعریف می‌شود که در تحقیق به آن پرداخته شد.

۱۶. پیشنهادات

استفاده از راهکار «خودنظارتی» جهت آسیب‌زدایی از چالش‌های کنشگری کارگزاران، مستلزم پیش‌بینی لوازم قانونی و ساختاری است. بدون منظور پیشنهاد می‌شود: تصویب شرایط، لوازم و ساختارهای قانونی از طریق مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و تهیه آئین‌نامه‌های اجرایی آن.

ایجاد ساختارهای متولی خودنظارتی در بالاترین سطوح حاکمیتی در قوای سه‌گانه و نهادهای عمومی کشور مانند «دفتر خودنظارتی» در هماهنگی با نظارت‌های سازمانی موجود. بدیهی است که همه کارگزاران کشور اعم از رؤسای قوای سه‌گانه، وزیران، نمایندگان مجلس، مدیران کل، استانداران و... باید در چارچوب مأموریت چنین ساختاری قرار بگیرند.

تأمین محتوای لازم متناسب با نیاز مراحل و فرآیندهای اجرایی. تشکیل کارگروه تخصصی در نهادهای فرهنگی و آموزشی از جمله در آموزش عالی کشور و معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه جهت تربیت کارشناس و اهل فن و تأمین محتواهای مربوطه. تعیین و اعمال شاخص‌های خودنظارتی در فرآیندهای سازمانی کارگزاران که منوط به تهیه قوانین و استقرار ساختارهای مربوطه است.

اصلاح و بروزرسانی نظامات آموزش و تعلیم و تربیت کشور در تناسب با ماهیت این‌همانی «دین و سیاست» و «اخلاق و سیاست» در شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان پیش‌زمینه ضروری در اعمال خودنظارتی اخلاقی.

۱۷. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق، یکی از دلایل مهم بروز ناهنجاری‌ها در کنشگری کارگزاران و عدم کارساز

بودن راهکارهای نظارتی، آسیب‌های موجود در نظام تعلیم و تربیت و بطور مشخص در زمینه آموزش و تربیت کارگزاران حکومتی است. کارآمدسازی این نظام مطابق با ماهیت اسلامی آن، خصوصاً گزاره‌های اخلاقی، اساس و پایه اصلاح در بسیاری از حوزه‌های حیاتی دیگر از جمله حکمرانی سیاسی است؛ لذا، موفقیت در خودنظارتی کارگزاران نیز متأثر از کارآمدسازی نظام تعلیم و تربیت خواهد بود. از سوی دیگر، حکمرانی در جمهوری اسلامی به جهت ماهیت توحیدی و مردمی آن، که در قانون اساسی بر دو پایه اسلامیت و جمهوریت تعریف شده است، تفاوت جدی با نظام‌های سیاسی مرسوم دنیا دارد؛ عمده‌ترین تفاوت آن را می‌توان در نسبت «این‌همانی» دین و سیاست و به تبع آن، اخلاق و سیاست دانست. بدیهی است که عدم توجه و رعایت الزامات این تفاوت، باعث ایجاد تضادها و تناقض‌ها میان ادعاها و عمل یا قانون و اجرا شده و نفاق و دورویی را گسترش خواهد داد؛ و در نتیجه، کارگزارانی ظهور و سرکار خواهند آمد که عملشان با تعهدات و ادعایشان فاصله گرفته و نزد آنان، نفاق و پنهان‌کاری جای صداقت و راستی را خواهد گرفت. مردم هم که صاحبان اصلی انقلاب هستند، با مشاهده کنشگری‌های دوگانه و متناقض از سوی کارگزاران، نسبت به نظام و ساختارهای سیاسی، دچار دلسردی و بی‌اعتمادی خواهند شد؛ باید با صراحت گفت که چنین آسیبی وجود دارد و موجب بی‌اعتمادی بخشی از مردم به کارگزاران حکومتی و حاکمیت سیاسی شده است. از طرف دیگر، نوع انسان، به طور طبیعی و به جهت امیال، منافع و رفتار خویش همواره در معرض لغزش‌ها قرار دارد، نهادها و اجتماعات انسانی نیز همین‌گونه است. کارگزاران و حاکمان سیاسی در جمهوری اسلامی نیز مانند افراد دیگر در معرض چنین آسیب‌هایی قرار دارند. کارآمدسازی نظام تعلیم و تربیت، مبتنی بر مؤلفه خودنظارتی و متناسب با الزامات جمهوریت و اسلامیت نظام، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تربیت و بکارگیری کارگزاران ملتزم به گزاره‌های دینی و اخلاقی در هر دو عرصه فردی و سازمانی است که اگر به طور جدی مورد استفاده واقع شود، می‌تواند ضمن جهت دادن جامعه به «سیر الی‌الله»، سلامت نظامات اداری و مالی و رفتاری کارگزاران را نیز تا حد زیادی تضمین نماید و انواع پلشتی‌های معطوف به کنشگری کارگزاران را به حداقل ممکن برساند؛ این کار امکان‌پذیر است؛ نمونه بارز و موفق آن، دوره هشت ساله جنگ تحمیلی و تربیت انسان‌های شاخص و خودناظر در آن دوره مانند شهیدان چمران، باکری و سلیمانی است. لذا، کارگزاران جمهوری اسلامی ایران می‌بایست براساس راهکار خودنظارتی مبتنی بر مراقبه و محاسبه، تمام قوای خویش را در جهت نظارت و مراقبت از افکار و اعمال خویش قرار دهند، تا هیچ‌گونه لغزش و فساد در کنشگری خویش راه نیابد و اگر هم خطایی صورت گیرد، از طریق راهکارهای محاسبه و معاقبه، جبران شود. حاکمیت سیاسی نیز می‌بایست با تصویب و اجرای قوانین و تعیین ساختار و متولیان مربوطه، بر این امر مهم

نظارت نمایند، تا اهداف خودنظارتی تحقق پیدا کند. خودنظارتی راهکاری مبتنی بر مراقبه و محاسبه در اخلاق اسلامی است که کارگزاران حکومتی می‌توانند با بکارگیری آن، تا حد زیادی کنشگری سیاسی و اجتماعی خویش را کنترل و از آسیب‌های اخلاقی و رفتاری مصون بدارند. در صورت توجه و تبدیل این مؤلفه به عنوان یک راهکار فراگیر در نظامات کشور، منشأ تحولات عظیم در کنشگری کارگزاران و عملکرد نظامات سیاسی خواهد شد. طرح بحث «خودنظارتی» به عنوان یک مؤلفه مؤثر نظارتی در کنشگری کارگزاران حکومتی، یک ابتکار و نوآوری روشن، در هر دو حوزه نظریه‌پردازی و میدان اجراست؛ حرفی نو با ایجاد ساختاری نو در بستر کنشگری کارگزاران که قابلیت دمیدن روح تازه در کالبد رفتارهای سیاسی آنان را دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکر (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.
- جوادی زاویه، سیده فاطمه (۱۳۹۲). *ترکیه نفس*. در: دانشنامه پژوه. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۳/۰۸). *بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12559>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۴/۲۹). *بیانات در سالروز عید سعید مبعث*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۳/۰۳/۰۴). *پیامبر(ص) در جامعه جاهلی معجزه اجتماعی ایجاد کرد/ نقش وحی در ایجاد تمدن اسلامی*. قابل دسترس در: mehrnews.com/xqy4h
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۱). *اخلاق کارگزاران*. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- سعادت‌پرور، علی (۱۳۸۶). *نور هدایت*. تهران: احیاء کتاب.
- صفایی حائری، علی (۱۴۰۰). *نامه‌های بلوغ*. قم: لیله القدر.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: انتشارات اسلامی، ج ۱.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۲). *نهایه الحکمه*. قم: موسسه نشر الاسلام.
- علیپور، حسین (۱۳۹۹). *فطرت*. قم: انتشارات راه فطرت.
- فتحی، جلیل؛ شیرازی‌زاده، محسن (۱۳۹۸). *تقویت یادگیری خودتنظیمی زبان‌آموزان ایرانی: بررسی تاثیر خودسنجی و همسال‌سنجی در مهارت نگارش در زبان دوم*. قابل دسترس در: <https://research.uok.ac.ir/~jfathi/ViewResearch.aspx?ResearcherId=94747>
- فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۹). *راه روشن*. ترجمه سید محمدصادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ چهارم.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۳۸۷). *محاسبه نفس*. ترجمه سید علی احمدی. قم: اشکذر.
- گوستاو یونگ، کارول (۱۳۸۰). *انسان در جستجوی حقیقت خویش*. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: گلبان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *فلسفه اخلاق*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
- میرمردی، سید احمد (۱۳۹۲). *خود من*. اصفهان: مرکز نشر حوزه علمیه اصفهان.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۳۸۵). *علم اخلاق اسلامی*. تهران: حکمت، چاپ دوازدهم.